

انعطاف‌پذیری مسکن عشایر، عامل پایداری معماری کوچ (مطالعه موردی ایل قشقای) (قشقای)

چکیده

شیوه زندگی عشایر بر پایه کوچ مسکنی، انعطاف‌پذیر منطبق با شرایط زیستی و سبک زندگی برخاسته از شیوه زندگی است که عامل سازگاری عشایر با شرایط اقلیمی محیط پیرامون آنان می‌باشد، مسکنی که از گذشته تا کنون به حیات خود ادامه داده و با عوامل محیطی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی پایدار به جلوه‌های پایداری در مسکن دست یافته است. مسئله این پژوهش، شناخت مؤلفه‌های شکل‌گیری مسکن پایدار عشایر می‌باشد. در واقع سیاه چادر، تمامی تعاریف و معانی خانه را داراست که با حداقل هزینه و با ظاهری ساده ولی کارایی بسیار بالا است که با وجود انعطاف‌پذیری در ابعاد زندگی و مسکن عشایر، می‌توان فاکتورهای مسکن پایدار را در آن یافت، مسکنی که منطبق با شرایط محیط طبیعی و ساکنان آن می‌باشد. روش انجام این پژوهش جمع‌آوری اطلاعات این تحقیق مطالعه اسنادی و مصاحبه با چندین طایفه از ایل قشقای و روش تحقیق با طبقه‌بندی و تحلیل محتوایی انجام می‌گیرد. این پژوهش بعد پایداری کالبدی به معرفی عناصر فضایی و عملکردی مسکن عشایر در انواع گونه‌های انعطاف‌پذیری و در بعد پایداری محیطی به معرفی عناصر عملکردی و ساختاری و انطباق آن‌ها با تنوع‌پذیری و تطبیق‌پذیری می‌پردازد. در بعد پایداری اجتماعی به بررسی مفاهیم ساختار زندگی عشایر در هر کدام از سه گونه انعطاف‌پذیری، می‌پردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که استفاده و تلفیق این اصول با تکنولوژی و فناوری‌های روز می‌تواند گامی در جهت غنای طراحی و اجرای مسکن متحرک و قابل حمل باشد.

اهداف پژوهش:

- دست یافتن به شاخص‌های انعطاف-پذیری در روش زندگی سازگار با محیط.
- شناخت و بازخوانی مسکن عشایر باهدف طرح الگوی مناسبی برای مسکن متحرک و مورد استفاده در مواقع لازم.

سوالات پژوهش:

- ابعاد پایداری مسکن عشایر کدام‌ها هستند؟
- ویژگی انعطاف‌پذیری در این الگوی سکونتی چگونه باعث ایجاد پایداری در مسکن عشایر می‌شود؟

واژگان کلیدی: معماری پایدار، سیاه چادر، عشایر کوچ رو، انعطاف‌پذیری.

۱. مقدمه

معیشت عشایر مبتنی بر دامداری است و لذا شیوه سکونت آن‌ها نیز به این موضوع بستگی دارد. این شیوه زندگی که از قدیمی‌ترین انواع زندگی بشری است، مبتنی بر کوچ و جابجایی سالانه است؛ به این ترتیب که عشایر به منظور تعلیف دام‌های خویش، مجبور به تغییر مکان و یافتن چراگاه‌های مناسب برای آن‌ها هستند. در این شیوه زندگی، طبیعت به عنوان بستر اصلی حیات آن‌ها شناخته می‌شود و سازگاری با آن، مهم‌ترین اصل در این شیوه به شمار می‌رود. این موضوع در الگوی سکونت آن‌ها نیز نمود دارد؛ به این ترتیب که اجزای شکل‌دهنده مسکن عشایر که

خود از عناصر طبیعی ساخته شده‌اند، با این شیوه زندگی در انطباق کامل قرار داشته و امکان جابجایی‌های فصلی را برای ساکنین آن‌ها فراهم می‌آوردند. چنین سازگاری میان انسان، طبیعت و معماری در این شیوه خاص از زندگی، اگر چه خود مبتنی بر جابجایی و عدم ثبات مکانی است، اما به لحاظ کارکردی، دارای نوعی تعادل و پایداری است که متأثر از انسان و نیازهایش از یک سو و ویژگی‌های عناصر طبیعی و مصنوع سازنده محیط اطراف وی از سوی دیگر است. به این معنی که انسان عشایری، به واسطه وابستگی معیشتی‌اش به دام، ملزم به جابجایی به منظور تغلیف دام‌هایش است. بر همین اساس تمام اجزای زندگی وی از جمله مسکن و اجزای زندگی‌اش، می‌بایست از این الگوی زندگی تبعیت نمایند، بنابراین انعطاف‌پذیری مسکن عشایر و سازگاری آن با شرایط مختلف محیطی و زمینه‌ای، یکی از مهم‌ترین اصول در این شیوه سکونتی به شمار می‌رود. این اصل در سایر ابعاد زندگی آن‌ها از جمله ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز تأثیرگذار است. با این توضیح هدف پژوهش حاضر، بررسی ابعاد پایداری مسکن عشایر با توجه به ویژگی‌های انعطاف‌پذیری آن در مواجهه با بستر طبیعی و نیز شیوه زندگی آن‌ها است. بر همین اساس با مراجعه به محل سکونت چندین طایفه از ایل قشقایی و بررسی ابعاد سکونت آن‌ها از جمله ویژگی‌های مسکن و اجزای آن، ابعاد مختلف انعطاف‌پذیری در آن و نیز وجوه پایداری موجود در این شیوه سکونتی، این مهم را مورد بررسی قرار داده است. در این رابطه بررسی شیوه زندگی عشایر، الگوهای فعالیتی و رفتاری جاری در سکونت‌گاه ایشان و نیز آداب و رسوم آن‌ها در مواجهه با مسائل مختلف، نکاتی قابل توجه در این تحقیق به شمار می‌روند.

در رابطه با مفاهیم معماری پایداری افراد متعددی دست به پژوهش زدند که از آن جمله می‌توان به چارلز جی. کیبرت (Charles J. Kibert, ۱۹۹۴) و ادوارد و تورت (Edwards & Turret, ۲۰۰۰) اشاره کرد. که این مفهوم را در مسکن مورد مطالعه قرار داده‌اند. با این حال این پژوهش قصد دارد تا به چگونگی برقراری تعامل و نوع تدابیر در نظر گرفته‌شده برای معماری پایدار بپردازد و با مسکن عشایر که از گذشته تا کنون با الگوی منظم به حیات خود ادامه داده‌اند را مورد بررسی قرار دهد. در ارتباط با کوچ و عشایر نیز پژوهش‌هایی انجام شده که می‌توان به دست‌یافته‌های چون جواد صفی نژاد (صفی نژاد، ۱۳۷۵) و نیز ارسلان برخوردار (برخوردار، ۱۳۸۴) اشاره کرد. این در حالی است که پژوهش‌های انجام شده در زمینه علوم اجتماعی و مردم‌شناسی و فرهنگ بوده و کمتر از دید معمارانه به این موضوع نگاه شده است. پژوهش‌هایی نیز درباره معماری کوچ و عشایر صورت گرفته که از آن جمله می‌توان به افرادی همچون محسن افشاری و شهرام پوردیهیمی (افشاری و پوردیهیمی، ۱۳۹۴) اشاره کرد. با این حال نیاز به بررسی در حوزه معماری پایدار و مسکن عشایر محسوس است.

فرایند این پژوهش، در سه مرحله قابل بررسی است؛ در گام نخست، به تحلیل ابعاد ساختاری، عملکردی و فضایی سیاه چادر عشایری و فضاهای ملازم آن در ایل قشقایی به عنوان نمونه موردی پرداخته می‌شود؛ در گام دوم، به وجوه انعطاف‌پذیری این الگوی سکونتی بر اساس نتایج حاصل از گام اول پرداخته می‌شود. به عبارتی در این گام، انعطاف‌پذیری ساختاری، عملکردی و فضایی سیاه چادر عشایری بر اساس الگوی سکونتی آن‌ها و شیوه زندگی جاری در آن‌ها، مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ در نهایت و در گام سوم، ابعاد پایداری مسکن عشایر بر اساس نتایج حاصل از دو گام پیشین، مورد بررسی قرار می‌گیرد. به عبارتی در این مرحله، چهار بعد پایداری در مسکن عشایر شامل پایداری محیطی، کالبدی، اجتماعی و اقتصادی، بر اساس ویژگی‌های انعطاف‌پذیری این الگوی سکونتی، مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. این تحقیق از نوع کیفی و مبتنی بر مطالعات اسنادی و میدانی (زمینه‌ای) است. گردآوری اطلاعات در این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و نیز مشاهدات میدانی شامل مستندسازی الگوی مسکن بومی عشایر

ایل کشکولی قشقایی در جنوب استان فارس و نیز شیوه سکونت آن‌ها بوده است. در جریان بازدید از چندین طایفه از این ایل، به مصاحبه با ساکنین به ویژه زنان عشایر و نیز ترسیم کروکی از الگوهای مسکن و نوع چیدمان عناصر درونی آن در شرایط مختلف پرداخته شد.

نتیجه‌گیری

مسکن عنصری که هم به نیازهای انسان پاسخ می‌دهد و هم یک پدیده اجتماعی است که انتظام و نوع فضاهای آن از عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی تأثیر می‌پذیرد که هدف آن انطباق با روش زندگی انسان و محیط پیرامون آن می‌باشد. مسکن به زمینه و بستر و کاربر آن وابسته است و انعطاف‌پذیری ابزاری جهت تطابق نیازهای کاربران در طول زمان و یکی از عوامل پایداری مسکن می‌باشد که نمود آن در کالبد، محیط و اجتماع فضای مسکونی بروز پیدا می‌کند. در این پژوهش با بررسی وجوه انعطاف‌پذیری در الگوی سکونت عشایر به جلوه‌های پایداری در این سکونت دست یافتیم و در جدول ۶ به جمع بندی این مفاهیم در مسکن عشایر پرداخته‌ایم. در واقع این شیوه زندگی نحوه رویارویی معماری کوچ با دو عامل اصلی یعنی زندگی حرکتی و شرایط اقلیمی موجب ماندگاری مسکن عشایر کوچ رو شده است که نحوه سازگاری سیاه چادرها با هر یک از عوامل تأثیرگذار بر این شیوه زندگی بررسی شده است و با توجه به گونه‌های انعطاف‌پذیری که از عناصر پایداری مسکن می‌باشد و مؤلفه‌های پایداری در مسکن که در پایداری محیطی، پایداری کالبدی، پایداری اجتماعی، پایداری اقتصادی ایجاد می‌شود که می‌توان مسکن عشایر را یک مسکن پایدار محسوب نمود. مسکنی که سازمان فضایی و نحوه استقرار و ساخت آن بیانگر کیفیت استفاده از محیط، تأثیر اقتصاد، سنت‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه عشایری است. طرح ساخت مسکن عشایر، ابعاد تناسبات مقیاس و انطباق با شرایط بیرونی واحد مسکونی از میزان تأثیر و تقویت روابط انسانی با امکانات و شرایط محیط طبیعی و الزاماتی حکایت دارد که به صورت تجربی و در طول زمان به صورت اصول معیارها و کمیت‌هایی در ساختار فضایی مسکن بروز یافته است. مسکنی که در طول زمان پاسخگوی نیاز ساکنان می‌باشد. این که فضای خانه با تجمیع و گرد هم آوردن عملکردهای مختلف آن در یک فضا، می‌تواند چند عملکردی باشد، انعطاف‌پذیر و سازگاری حداکثری با محیط را پدید می‌آورد.

منابع:

- افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۶۶). مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها. چادرنشینان و طوایف عشایری ایران، تهران.
- اکبری، نعمت‌الله؛ خوش‌اخلاق، رحمان؛ مردی‌ها، سارا. (۱۳۹۲). سنجش و ارزش‌گذاری عوامل مؤثر بر انتخاب مسکن با استفاده از روش انتخاب تجربی از دیدگاه خانوارهای ساکن در بافت فرسوده شهر اصفهان، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال ۱۳، ش ۳.
- امیر احمدیان، بهرام. (۱۳۷۸). مسکن در ایل بختیاری، فصلنامه عشایری ذخائر انقلاب، قسمت دوم، ش ۲.
- پاپزن، عبدالحمید؛ افشارزاده، نشمیل. (۱۳۹۰). دانش بومی زنان عشایر کلهر در زمینه سیه مال، سازه پرتابل ایل، نشریه زن در فرهنگ و هنر، دوره سوم، ش ۲.
- توکلی، غلامرضا. (۱۳۷۹). ایل باصری از ترانس تا لهباز، تهران: انتشارات هفت.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

حساس، نجمه. (۱۳۹۲). از خانه تا سیاه خانه جایگاه معماری سیاه چادر کوچ‌نشینان، اولین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط‌زیست پایدار، شهرپور.

رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ پورطاهری، مهدی و میرجلالی، اکبر. (۱۳۹۲). نقش نهاد خیریه‌های کمیته امداد در بهبود کیفیت فیزیکی مسکن مددجویان تحت پوشش روستایی، فصلنامه جغرافیا و توسعه، دوره ۱۱، شماره ۳۳.

روحی، ترانه. (۱۳۹۰). سیاه چادر؛ معماری عشایر کوچ‌نشین، نشریه فرهنگ و مردم ایران، شماره ۴۵ و ۴۶، تابستان.

سرتیپی پور، محسن. (۱۳۸۵). مسکن روستایی در کشورهای مسلمان آفریقایی، نشریه مسکن و انقلاب، ش ۱۱۵.

سرتیپی پور، محسن. (۱۳۸۵). مسکن روستایی در عربستان، عمان، عراق و سوریه، نشریه علمی پژوهشی مسکن و انقلاب، ش ۱۱۶.

کیانی، محمدیوسف. (۱۳۸۹). تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، چاپ ۱۲، تهران: سمت.

عینی فر، علیرضا. (۱۳۸۲). الگویی برای تحلیل انعطاف‌پذیری در مسکن سنتی ایران، نشریه هنرهای زیبا، ش ۱۳.

غلامی، غزل؛ حقیقی، سعید و عریان نژاد، رضا. (۱۳۹۶). انعطاف‌پذیری در سازه‌ی سقف‌های متحرک، سومین کنفرانس بین‌المللی معماری و عمران و شهرسازی در آغاز هزاره سوم، تهران.

قنبری، ابوالفضل. (۱۳۹۰). تحلیلی بر نابرابری‌های مسکن روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۸۷، مسکن و محیط روستایی، ش ۱۳۶.

لفافچی، مینو. (۱۳۸۸). معماری کوچ در عشایر قشقایی. رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

housing: principles and practice. E&FN Spon, London, U.K.

Charles. L. (۲۰۰۷). Choguill, The search for policies to support sustainable housing, Journal of Habitant International, Vol. ۹۶, No. ۶, pp. ۶۴۳-۶۴۹.

Hagan, S. (۲۰۰۱). Taking shape: Anew contract between architecture and nature, Oxford, adivision of reed educational and professional LTD.

Chenj.j.chambers.D.C. (۱۹۹۹).sustainability and the impact of Chinese policy initiatives upon construction. cons.manage.Ecom.

Hanson, j. (۲۰۰۳). "Society and thecity: accommodating diversity-the inclusive city: sustainability, urban design and the culture of ageing", university college London.

Hashemian,M. (۲۰۰۵). Design for Adaptability, Doctoral Dissertation in Philosophy ,University of Saskatchewan, Canada.

Short, J. R. (۲۰۰۶). Urban Theory A Critical Assessment, Routledge, Newyork.

Huchzermeyer, M. (۲۰۰۱). Housing for the poor? Negotiated housing policy in South Africa, Journal of Habitat International, Vol. ۱۱, pp. ۹۰۹-۹۹۶.

Kibert,C.J. (۱۹۹۴). Proceedings of the First International Conference on Sustainable Construction, Tampa, Florida,November.

Douglas , J. (۲۰۰۶). Building Adaptation (۲nd edn), Oxford, Elsevier Ltd.

Schneider, T., & Till, J. (۲۰۰۵). "Flexible Housing: Opportunities and Limits", ۱۵۷-۱۶۶.

Schneider, T., & Till, J. (۲۰۰۵). "Flexible Housing: The Means to the End", ۲۸۷-۲۹۶, Oxford, United Kingdom: Architectural Press.